

نقد و بررسی روش تدریس موسیقی کودک در ایران

نوشته‌ی کاوه الهامیان

استاد پیانو در هنرستان موسیقی و دانشگاه هنر

مقدمه

در مقاله‌ی حاضر به بررسی روش‌های تدریس دوره‌ی موسیقی کودک که به اشتباه در ایران (ارف) نامیده می‌شود می‌پردازیم. همچنین روش‌های جایگزین برای اشتباهات رایج را معرفی خواهیم کرد.

ابتدا با معرفی خود و سوابق کاریم آغاز میکنم.

بعد از سال‌ها تحصیل در هنرستان موسیقی در رشته‌ی نوازندگی پیانو و سپس دانشگاه هنر، مشغول به تدریس پیانو در هنرستان و دوره عالی آن و سپس در دانشگاه هنر شدم. از ابتدا در مقطع هنرستان و دانشگاه با شاگردان سطح حرفه‌ای سر و کار داشته‌ام و پس از آن دست‌روزرگار مرا به سمت کار آموزش کودکان کشاند و دوره‌های پداگوژی، سبک روسی آموزش پیانو را با استاد دلبرحکیم‌آوا گذراندم. این دوره شروع روندی بود که ذهنیت مرا نسبت به روش‌های آموزش موسیقی به کلی تغییر داد و با اشکالات و آسیب‌های سنتی و بی‌پایه‌ی موسیقی در کشورمان آشنا کرد. پس از آن، در دوره‌ای ده ساله (از سال ۸۶ تا ۹۶) در همکاری با موسسه‌های منظومه خرد و پارس با تعداد زیادی از هنرجویان خردسال که با تمام کردن دوره‌ی "ارف" وارد آموزش ساز شده بودند سروکار داشته‌ام.

به تدریج متوجه شدم تقریبا در تمام کلاس‌های ارف، طرح درس و روشی یکسان به کار گرفته می‌شود که می‌توانم به جرات بگویم به کلی بی‌فایده است. در این مورد اکثر همکارانم در آموزش ساز همین نظر را دارند ولی برای حفظ اعتبار شغلی دوستانی که در دوره‌ی ارف مشغول هستند، هیچگاه این را بیان نمی‌کنند.

این به معنای بی‌فایده بودن دوره‌ی موسیقی کودک نیست، بلکه عدم نتیجه‌گیری مناسب در ایران، به دلیل روش‌های اشتباهیست که در چند دهه‌ی اخیر صرفا تکرار و هیچگاه به روز رسانی نشده است. دوره‌ی "ارف" بدین گونه که در کشورمان تدریس می‌شود نه تنها کارایی لازم را ندارد بلکه باعث مشکلات ساختاری در آموزش موسیقی شده، که بعد از اتمام این دوره در دوره‌ی ساز نیز سال‌ها گریبان‌گیر کودکان خواهد بود.

در ادامه سعی خواهیم کرد تعاریف، طرح درس و اهداف دوره‌ی موسیقی کودک را بیان کنم.

دوره‌ی موسیقی کودک، برای آشنایی با موسیقی برای کودکان زیر ۶ تا ۷ سال طراحی شده که در این دوره سنی آمادگی شروع یک ساز مستقل را ندارند و با گذراندن این دوره مهارت و آمادگی لازم برای یاگیری ساز را پیدا خواهند کرد.

کارل ارف (۱۸۹۵-۱۹۸۲) موسیقیدان و آهنگساز شهیر آلمانی یکی از بنیانگذاران و مبتکران این دوره بوده، که البته توضیح کامل روش و دیدگاه او در حوصله‌ی این مقاله نمی‌گنجد. مهمترین ابتکارات کارل ارف، استفاده از ساز بلز، که از بخش کوبه‌ای ارکستر سمفونیک وام گرفته شده



و فلوت ریکودر، ساز منسوخ شده‌ی دوره‌ی باروک به عنوان دو ساز ساده شده برای کودکان است. نواختن این سازها چنان با دوره‌ی موسیقی کودک اجین شده که بعضا این دوره را "ارف" می‌نامند.

در بخش طرح درس: کارگروهی، خواندن آواز، بازی‌های جمعی، نواختن بلز و فلوت ریکوردر به صورت گروهی، آموزش هماهنگی در نواختن دسته جمعی، درک کلی ریتم و توصیه‌هایی برای استفاده از موسیقی محلی هر کشور و منطقه برای آموزش در سراسر دنیا، را می‌توان به عنوان ویژگی‌های کلی دیدگاه کارل ارف می‌توان نام برد.

در مقابل افراد معروف دیگری از جمله ماریا مونته سوری (۱۸۷۰-۱۹۵۲) در ایتالیا تجربیات دیگری در علم پداگوژی (آموزش) و رشته‌های مختلف و از جمله موسیقی را مدون کرده‌اند که حائز اهمیت و دارای کاربرد فراوان در فرایند آموزش موسیقی هستند.



در کل باید گفت این روش‌ها چنان متنوع و دارای تعاریف کلی هستند که هر کسی می‌تواند روش تدریس خود را به یکی از این دو منسوب کند.

به صورت خلاصه، روش ارف آموزش گروهی و روش مونته سوری آموزش خصوصی است که هر دو روش در بسیاری از جزئیات اشتراکات فراوانی دارند.

پیش از وارد شدن به بحث اصلی باید یکی از مفاهیم پرکاربرد در این مبحث را نیز تعریف کنیم.

مفاهیم انتزاعی و غیر انتزاعی

به مفاهیم تلخیص یا فشرده شده مفاهیم انتزاعی گفته می شود. در ریاضیات، یک فرمول و در فلسفه یک تعریف کلی که در واژه ای مشخص خلاصه شده، مفاهیم انتزاعی تلقی می شوند.

از نظر علم پداگوژی درک مفاهیم انتزاعی برای کودکان زیر ۷ سال بسیار مشکل است. کودکان در این دوره ی سنی به راحتی

قادر به یادگیری مفاهیم غیر انتزاعی مثل نام اشیاء یا مفاهیم ساده مثل خوب و بد و نسبتها مثل پدر و مادر و ... هستند.

با این توصیف اسم نتها و کششها (گرد ، سفید ، سیاه) مفاهیم قراردادی و درگروه مفاهیم انتزاعی تعریف می شوند که در آموزش آنها برای گروه سنی زیر هفت سال باید یک روش آموزشی دقیق مبتنی بر تجربه و نتایج عملی را بکار برد، درغیراین صورت روند آموزشی کودک برای سال های متمادی دچار اختلال خواهد شد.

رویکرد علمی در آموزش کودک زیر ۷ سال

ذهنیت و برداشت کودکان با بزرگسالان به کلی متفاوت است. تعاریف، روابط و تمام چیزهایی که برای بزرگسالان اموری بدیهی تلقی می شوند، همواره برای کودکان در برخورد نخست، مسائلی عجیب هستند.

The image shows handwritten mathematical work. It starts with the Gaussian function $f(x) = \frac{1}{\sigma\sqrt{2\pi}} e^{-\frac{(x-\mu)^2}{2\sigma^2}}$. The derivative is calculated as $f'(x) = \frac{1}{\sigma\sqrt{2\pi}} \cdot \left(-\frac{2(x-\mu)}{2\sigma^2}\right) e^{-\frac{(x-\mu)^2}{2\sigma^2}}$. This is simplified to $f'(x) = -\frac{(x-\mu)}{\sigma^2} f(x)$. The final result shown is $f'(x) = -\frac{(x-\mu)}{\sigma^2} \cdot \frac{1}{\sigma\sqrt{2\pi}} e^{-\frac{(x-\mu)^2}{2\sigma^2}}$.

برای درک دنیای کودکان باید آن‌ها را طوری در نظر گرفت که گویی از کره ای دیگر آمده‌اند و تمام چیزهای بدیهی برای ما، نیاز به توضیح و موشکافی برای آنان دارند. بزرگترین اشتباه پداگوژیک وقتی اتفاق می‌افتد که ما، ذهن و شناخت کودکان را همانند بزرگسالان تصور می‌کنیم.

اسم نت‌ها

نام گذاری نت‌ها بر خلاف ظاهر ساده‌ی آن، مفهومی انتزاعی، مبتنی بر فیزیک صوت و حاصل قرن‌ها تاریخ موسیقی است.

اسامی هفت گانه‌ی نت‌ها، ابتکار کشیش و موسیقیدان ایتالیایی گوئیدو آرتزو

(Guido Arezzo) است. وی در قرن یازدهم میلادی با



الهام از هفت سرود مذهبی، سیلاب نخست هر سرود را به عنوان اسم هر نت برگزید.

{Do-re-mi-fa-sol-la-si}

به عنوان مثال Do سیلاب نخست واژه‌ی لاتین Dominus است. این روش نامگذاری در کشورهای ایتالیا، فرانسه، اسپانیا و بیشتر کشورهای آمریکای لاتین، روسیه، ایران و بسیاری دیگر از کشورها استفاده می‌شود.

به موازات این روش نامگذاری، روش دیگری وجود دارد که از حروف الفبای لاتین برای نام گذاری نت‌ها استفاده می‌کند، که این روش در کشورهای آلمان، انگلستان و مستعمرات سابقش و همینطور در آمریکا رایج است. {A-B-C-D-E-F-G}

تطبیق اسم نتها در دو روش ذکر شده بدین گونه است:

A	B	C	D	E	F	G
LA	SI	DO	RE	MI	FA	SOL

ظاهرا نخستین کسی که متد ارف را به فارسی ترجمه و در ایران معرفی کرده، مرتکب اشتباهی اساسی شده، اشتباهی که بعد از گذشت بیش از ۴۰ سال از تدریس متد ارف در ایران، کسی به آن پی نبرده و یا جسارت مطرح کردنش را نداشته است.

و اشتباه مورد بحث این است که روی ساز بلز و در کتابهای آموزشی حروف الفبای انگلیسی-لاتینی را با اسم نتهای دو-ر-می-فا ... به هنرجوی خرد سال معرفی می کنند.

همانطور که می دانید با وجود مهدکودک، پیش دبستانی و مدارس دوزبانه، این روزها کودکان پیش از آشنایی با حروف الفبای فارسی، با الفبای انگلیسی-لاتینی آشنا می شوند. و در اینجاست که کودک خردسال ما با نخستین تناقض بزرگ زندگی روبرو می شود.

که اسم این شکل {A} لا نیست بلکه حرف "ای" است و این شکل {B} سی نیست بلکه حرف "بی" است. دقت داشته باشید که تشابه تلفظ نام حروف با اسم نتها برای کودک می تواند گیج کننده باشد.

B می شود سی و C می شود دو و D می شود ر و الی آخر...

کودکی که هنوز سواد خواندن و نوشتن ندارد مسلما معنی حروف لاتین را هم نمی فهمد. نوشتن اسم نتها در کلاسهای تئوری بزرگسالان معمول است. پس نیازی به نوشتن و تاکید روی یادگیری نام نوشتاری نتها نیست و اگر نیاز به نوشتن بود حتما باید همگام با تلفظ، ازاسامی LA SI DO RE MI FA SOL استفاده شود.

نکته‌ی اصلی که در اینجا مغفول مانده، صدای نتهاست که اتفاقاً انتزاعی و یا قراردادی نیست. صدا یکی از عناصر خالص طبیعت است که انسان هیچ نقشی در پیدایشش نداشته، بنابراین مفهومی غیر انتزاعی طلقی می‌شود. اما نکته اینجاست که حس غالب در انسان‌ها بیناییست و انسان به طور غریزی از بدو تولد به حس بینایی برای یادگیری



تکیه دارد. اینجاست که با بکارگیری یک روش پداگوژیک درست، می‌توان توجه کودک را به سمت حس شنوایی جلب کرد و به او یاد داد که چطور می‌تواند با تکیه به حس شنوایی یاد بگیرد.

و برای آموزش نتهها کفایت روی یادگیری جایگاه نتهها روی خط حامل تمرکز شود و منطق نت نگاری و رابطه‌ی بین نتهها از همان ابتدا به درستی آموزش داده شود. کودک یاد می‌گیرد، به همین سادگی!

بدین ترتیب کودک با برخورد به این تناقض اعتماد به نفسش را در یادگیری نتهها از دست می‌دهد و اینجاست که مربیان "ارف" مرتکب اشتباه بعدی می‌شوند.

داستان سرایی برای اسم نتهها

با گیج شدن کودک روی اسم نتهها، اینطور برداشت می‌شود که کودک موجودی کند ذهن است که باید مطلب را شیر فهم شود!!!

و اینگونه ابتکار جدیدی به خرج می‌دهند و یک داستان طول و دراز و بی‌معنی برای هر نت می‌سازند مثلاً: لالا خانم (اشاره به نت لا) بین طبقه‌ی دوم و سوم خونه داشت (اشاره به جایگاه نت روی کلید سل) و یک همسایه داشت به اسم آقای دودو (اشاره به نت دو) ... و این قصه سر دراز دارد.

در این بین کودک بخت برگشته‌ی ما از فهم اصل و فرع موضوع عاجز است و سعی در حفظ کردن تمامی داستان دارد، که البته موفق نمی‌شود. تا اینجا مسئله‌ی ساده‌ی یادگیری نت‌ها تبدیل به کلاف سر در گمی شده که تا سال‌ها برای هنرجوی خردسال ما باز نخواهد شد.

جالب اینکه این ابتکار قصه‌گویی از آموزشگاهی شروع شده که بیش از دیگر آموزشگاه‌ها به برگزاری دوره ارف و دوره‌ی مربی‌گری ارف شهره است و کار تا جایی پیش رفته که آزمون مربی‌گری موسیقی از طرف وزارت ارشاد در این آموزشگاه برگزار می‌شود!!!

و جالبتر اینکه در دوره‌های مربی‌گری از دانشجویان خواسته می‌شود که ابتکار به خرج داده و داستان خود را برای نت‌ها بسازند. حال اگر نتیجه‌ی این همه ابتکارات را جمع کنید می‌شود مثنوی هفتاد من!!!

این در حالیست که اگر از همان ابتدا اسم نت‌ها به درستی آموزش داده می‌شد هیچ نیازی به داستان‌گویی و پیچیده کردن مطلب نبود.

آموزش نت‌ها با استفاده از رنگها

اشتباه بعدی در روش آموزشی رایج، استفاده‌ی نابجا از رنگ‌ها و ربط دادن آن به اسم نت‌هاست. شایان ذکر است که استفاده از رنگها در روش‌های آموزشی موسیقی کودک در دنیا رایج است، ولی اشتباه روش‌های وطنی، در ربط دادن مستقیم نت‌ها به رنگ‌هاست، بدینگونه که از کودک خواسته می‌شود که همراه اسم نت، رنگش را هم بگوید.



با دقت در رنگهای انتخاب شده روی ساز بلز ساخت داخل که بر اساس طرح درس و سفارش آموزشگاه‌ها ساخته می‌شود به اشتباه دیگری پی می‌بریم.

LA	SI	DO	RE	MI	FA	SOL
سبز روشن	سبز تیره	آبی	بنفش	قرمز	نارنجی	زرد

بعد از چند ثانیه این سوال‌ها به ذهن متبادر می‌شود که چرا دو تا سبز داریم؟ و چرا رنگ‌ها با هیچ ترتیبی سازگار نیست؟ با سوال از همکارانم متوجه شدم همین نکته نیز باعث سر درگمی هنرجویان خردسال می‌شود.

اگر هفت رنگ رنگین کمان را با هفت نت موسیقی تطبیق دهیم به ترتیب می‌شود:

سرخ	نارنجی	زرد	سبز	نیلی	سرمه‌ای	بنفش
-----	--------	-----	-----	------	---------	------

که البته در روش‌های آموزشی برای ساده سازی در یادگیری، رنگ نیلی با آبی، سرمه‌ای با بنفش و بنفش با صورتی جایگزین می‌شود به این دلیل که رنگهای جایگزین جزو رنگهای اصلی محسوب شده و کودک در یادگیری آنها دچار مشکل نمی‌شود.

سرخ	نارنجی	زرد	سبز	آبی	بنفش	صورتی
-----	--------	-----	-----	-----	------	-------

در برخی از روش‌ها از رنگ سفید به عنوان جایگزین رنگ هفتم استفاده می‌شود که به دلیل تضاد خوبی که با رنگها کناری دارد روش مناسبی است.

همانطور که ذکر شد نباید رنگ‌ها را مستقیماً به اسم نت‌ها ربط داد، بلکه صرفاً با رنگ‌آمیزی منطقی نتها، کودک این فرصت را پیدا می‌کند که از تداعی رنگها برای یادآوری نتها استفاده کند.

مهارت‌های ریتمیک

یادگیری مفاهیم ریتمیک برای کودکان معمولاً مشکل‌تر یادگیری صداها است. باز باید به این نکته توجه شود که در آموزش مفاهیم ریتمیک از بکار بردن مفاهیم انتزاعی و قراردادی پرهیز شود. البته خود ریتم هم مانند صداها و نت‌ها مفهومی غیر انتزاعی و بسیار عمیق است. کودکان معمولاً قبل از حرف زدن مفهوم



دست زدن را یاد می‌گیرند. همچنین به آهنگ‌ها واکنش نشان داده و با آن می‌رقصند.

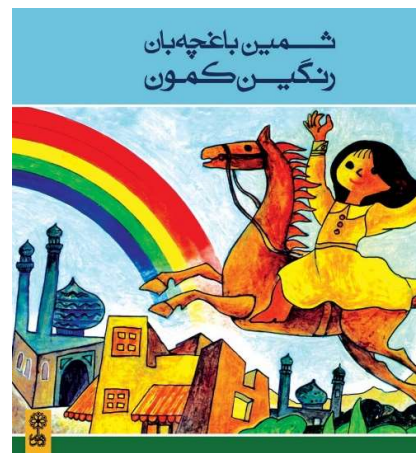
همین‌ها، بهترین پتانسیل برای آموزش به کودکان است که می‌توان آنها را به راحتی در غالب بازی‌های ریتمیک درآورد. آموزش مفهوم کشش‌ها در ترم‌های بعدی اجتناب‌ناپذیر است. هدف نهایی طرح درس، آموزش کشش‌های گرد، سفید و سیاه است که در اینجا هم باید از داستان‌سرایی و حجیم کردن مطلب پرهیز شود. با کمک گرفتن از مساحت، حجم و اندازه‌ها می‌توان مفاهیم نصف و یک چهارم را در غالب بازی‌های فکری آموزش داد.

شعرهای مناسب برای کودکان

یکی دیگر از اشکالات رایج، تکراری و یکنواخت بودن شعرها و آهنگ‌های موجود در کلاس‌های موسیقی کودک است. در فقدان خلاقیت و تخصص مناسب شعر کودک، ترانه‌ها اکثراً تکراری و شعرها دارای مفاهیم انتزاعی و خارج از درک کودکان زیر هفت سال است. به عنوان مثال به واژه‌های پیچیده‌ی این شعر "بچه‌های ایران" دقت کنید: {میهن ما ایران بهشت جاویدان، خوب و سبز خرم، یادگار جم}

شما چه فکر می‌کنید؟ چگونه این مفاهیم برای کودکان خردسال قابل فهم است؟ میهن، بهشت جاویدان، یادگار جم!!!

تنها اثر ارزشمند معاصر شعر و موسیقی کودک، آلبوم " رنگین کمون" اثر مرحوم ثمین باغچه‌بان است. که بجز خاطره‌ی آهنگ‌هایی که با کودکی ما اجین شده، شعرها هم سروده آهنگساز می‌باشد و با ضبط ارکستر و گُر فیلامونیک وین به رهبری کریستین داوید، جاودانه شده است. معدود آثاری دیگری که در این زمینه منتشر شده تقلیدی سطح پایین از آلبوم رنگین کمان است.



طول دوره و سن مناسب شروع کلاس

چه سنی برای شروع مناسب است و طول دوره چقدر باید باشد؟

سن مناسب این دوره در محدوده‌ی چهار سالگیست. کودکان ۳ ساله و پایین‌تر، آمادگی حضور در کلاس و یادگیری مفاهیم یاد شده را ندارند. مشکلی که باید از آن به عنوان معضل اجتماعی نام برد، چشم و هم‌چشمی بین والدین و انتظار خارج از واقعیت برای هرچه زودتر شروع کردن همه چیز برای کودکان نسل امروز است، که والدین را ترغیب می‌کند از همان بدو تولد روند آموزشی کودک را شروع کنند. در این بین عده‌ای که به این عطش جامعه پی‌برده‌اند، با برگزاری کلاس‌هایی با عنوان "مادر و کودک" هیچ تقاضایی را بی‌پاسخ نمی‌گزارند. باید در نظر داشت وقتی کودک در سه سالگی در یادگیری مفاهیم دچار مشکل شود، احتمالاً در چهار سالگی هم مشغول دست و پنجه نرم کردن با همان مشکلات است. در حالی که اگر در سن مناسب روند آموزشی شروع شود احتمال بروز مشکل بسیار کمتر است.

وانگهی طول دوره‌ی موسیقی کودک با توجه به همه‌ی مطالب، بین یک و نیم تا دو سال است و اگر این دوره زودتر شروع شود به معنی زودتر تمام شدن آن نیست.

تعدد کنسرت‌ها

یکی دیگر از حربه‌های تبلیغاتی که در دوره‌های به اصطلاح "ارف" زیاد به کار گرفته می‌شود، تعداد زیاد و فشرده‌ی کنسرت‌هاست. که با آن به والدین ثابت کنند، کودکان بسیار سریع در حال پیشرفت است!! با مشورت با همکارانم متوجه شدم که چنان برنامه‌ی این کنسرت‌ها فشرده است که دیگر فرصتی برای یادگیری باقی نمی‌ماند. با اتمام یک کنسرت مربیان مجبورند آهنگ‌های کنسرت بعدی را شروع کنند و بدون مهارت در نت خوانی و ریتم، آنقدر این آهنگ‌ها را تکرار می‌کنند که هنرجویان خردسال حفظ شوند. کنسرت‌هایی از این دست، صرفاً یک نمایش است که با پوشش دادن صدای ساز هنرجویان با صدای ساز مربیان، عملاً کودکان هیچ نقشی در این کنسرت‌ها ندارند و فقط پانتومیم بازی می‌کنند.

در نوشتن یک طرح درس منطقی، رعایت این نکته بسیار مهم است، که تا هنگامی که چیزی برای ارائه وجود ندارد، از برگزاری کنسرت‌های زود هنگام اجتناب شود.

پایان دوره

هدف اصلی دوره‌ی موسیقی کودک، آمادگی برای شروع کلاس ساز است و توانایی‌هایی از جمله:

- یادگیری نت‌ها در حد یک اکتاو روی کلید سل
- یادگیری کلی مفاهیم ریتمیک از قبیل میزان، ضرب، کشش‌های گرد سفید سیاه
- توانایی شمارش ضرب‌ها و یا خواندن شعر هنگام نواختن
- توانایی هماهنگی حرکات دو دست در نواختن سازهای مختلف
- نواختن فلوت ریکورد و بلز و توانایی نت خوانی (دشیفر) ساده بر روی این سازها

اهداف نهایی دوره‌ی موسیقی کودک می‌باشند.

بعد از سال‌ها تدریس در مقاطع مختلف، تصمیم گرفتم یک آموزشگاه موسیقی تاسیس کنم تا بتوانم ابتکارات و روش‌های نوین آموزش موسیقی را آن‌گونه که می‌خواهم، پیاده کنم.

مقاله‌ای که از نظرتان گذشت، چکیده‌ی طرح درس و الگوی آموزشی ما در آموزشگاه زنگ خواهد بود که با کادری مجرب در صدد پیاده کردن آن هستیم.